



سخنران: آیت الله جوادی آملی

است. چنین کسی در پایان ماه صفر که مظهر اسم اعظم است به مُسمای راستین این اسم، رحلت و هجرت کرد و به لقای او پیوست. از این جهت رحلت آن حضرت خاطره تلخ جهانی را به همراه دارد.

تلخ‌ترین مصیبت

وجود مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام در رخداد تلخ درگذشت پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَقَدْ انْقَطَعَ بِمَوْتِكَ مَا لَمْ يَنْقُطْ بِمَوْتِ غَيْرِكَ مِنَ النَّبُوَّةِ وَالْإِنْبَاءِ وَ أَخْبَارِ السَّمَاءِ؛ با رحلت تو اموری از پیامبری و پیام‌رسانی و اخبار آسمانی،

رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، عظیم‌ترین مصیبت در تاریخ بشر

در جریان مبعث حضرت رسول صلی الله علیه و آله، دعای معروفی را بزرگان نقل کرده‌اند و در آن دعا به خدا سوگند داده شده که «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَلُكَ بِاسْمِكَ بِالتَّجَلِّيِ الْأَعْظَمِ فِي هَذَا الْيَوْمِ يَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ»^۱ در شب مبعث یا روز مبعث سخن از تجلی اعظم ذات اقدس إله است؛ زیرا کسی که مظهر اسم اعظم است، به بعثت رسیده

۱. المصباح للكفعمي، ص ۵۳۵.

قطع شد که با مرگ غیر تو، قطع نشده بود.^۱ عرض کرد: یا رسول الله! با رحلت شما چیزی قطع شد که با رحلت احدی منقطع نمی‌شد؛ یعنی اولیاء و انبیای قبلی اگر رحلت می‌کردند، امید بعثت خاتم وجود داشت؛ اما پیامبر اکرم ﷺ که پیامبر خاتم است، بعد از رحلت او یقیناً نبوت و جریان تشریحی نخواهد آمد، لذا خاطره رحلت پیامبر اکرم ﷺ، تلخ‌ترین خاطره است.

از سوی دیگر از همسر رسول اکرم شنیده شد که: «كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ؛ اخلاقش اخلاق قرآنی بود.»^۲ و چون قرآن مهیمن بر سایر کتب هست،^۳ و خُلُق رسول اکرم هم مطابق با قرآن بود، پس اخلاق او مهیمن بر اخلاق همه انبیاء و اولیاء بود و چون بعد از او پیامبری نمی‌آید، با رحلت آن

حضرت به حسب ظاهر، جوامع بشری از چنین خُلُق مهیمنی محروم شده‌اند؛ لذا مصیبت او تلخ‌ترین مصیبت است.

عظمت مصیبت ارتحال پیامبر اکرم ﷺ

امیرالمؤمنین ﷺ درباره مصیبت رسول اکرم می‌فرماید: هر مصیبتی در برابر مصیبت تو جلل است؛ «جَلَلٌ» یعنی حقیر. چون مصیبت تو «جلیل» است؛ یعنی عظیم. «وَإِنَّ مُصَابِنَا بِكَ لَجَلِيلٌ وَإِنَّ مَا قَبْلَكَ وَمَا بَعْدَكَ لَجَلَلٌ؛ مصیبت رحلت تو جلیل است و توان فرسا و عظیم؛ ولی مصیبت‌هایی که قبل از مصیبت شما اتفاق افتاد، یا بعد از مصیبت شما رخ می‌دهد جلل است و حقیر.» آن جلیل است و عظیم، ماسوای او جلل است و حقیر.

در بخش دیگر به رخداد تلخ رحلت رسول اکرم اشاره کرد و به پیغمبر ﷺ خطاب کرد: «لَقَدْ خَصَّصْتَ حَتَّى صِرْتَ مُسْتَلِيًّا عَمَّنْ سِوَاكَ وَ عَمَّتْ

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۵.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۶،

ص ۳۴۰.

۳. برداشت از: مائده / ۴۸.

۴. نهج البلاغه، کلمات قصار، ۲۹۲.

درود و ثنای ملائک بر پیامبر ﷺ
 حضرت امیر علیه السلام درباره غسل بدن
 مطهر پیغمبر ﷺ فرمود: «لَقَدْ وُلِّيتُ
 غُسْلَهُ وَ الْمَلَائِكَةُ أَعْوَانِي فَضَجَّتِ الدَّارُ وَ
 الْأَنْبِيَاءُ وَ مَلَأَ يَهْبِطُ وَ مَلَأَ يَفْرُجُ؛^۱ من
 متولی غسل پیغمبر صلی الله علیه و آله بودم، و
 فرشتگان مرا در این تغسیل کمک
 می کردند و در و دیوار خانه ضجه و
 فریاد می زد. عده ای از ملائکه فرود
 می آمدند، عده ای بالا می رفتند.» «مَا
 فَارَقْتُ سَمْعِي هَيْئَةً مِنْهُمْ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ
 حَتَّى وَارَيْنَاهُ فِي ضَرْبِ حَيْهٍ؛^۲ من [در تمام
 این مدت که مشغول غسل بدن مطهر
 پیغمبر صلی الله علیه و آله بودم و حتی بعد از غسل،]
 صدای ضعیف فرشتگان که بر پیغمبر
 درود می فرستادند از گوشه هایم جدا
 نمی شد. [مرتب من صدای ملائکه را
 می شنیدم که بر او صلوات
 می فرستند،] تا اینکه بدن مطهر پیغمبر
 را به خاک سپردیم.»

در چنین حالتی که وجود مبارک
 امیرالمؤمنین مشغول تغسیل بدن

حَتَّى صَارَ النَّاسُ فِيكَ سَوَاءً؛^۱ مصیبت
 تو خاص است که باعث تسلی در
 برابر سایر مصیبتهاست. و عمومی
 است به طوری که همه را در عزایت
 یکسان عزادار کرد.» هیچ مصیبتی
 همتای مصیبت تو نیست، و اگر
 مصیبتی غیر از مصیبت تو اتفاق
 بیفتد، ما در پرتو مصیبت تو آن را
 تحمل می کنیم، چون آن مصیبتها
 اندک است.

جنبه عمومی بودن مصیبت تو آن
 است که همگان در کنار سفره رحمة
 للعالمینی تو طرفی بستند. وقتی خدا
 می فرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ كَافَّةً لِّلنَّاسِ؛^۲
 «ما تو را برای همه مردم فرستادیم.»
 یا بگوید: «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛^۳ بنابراین
 رحلت تو برای جهانیان غمبار است،
 لذا همگان از این جهت مصیبت
 زده اند.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۵.

۲. سبا / ۲۸.

۳. انبیاء / ۱۰۷.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷.

دنیا ابدی می‌بود، وسیله هدف می‌شد که این کار باطلی بود؛ در حالی که زندگی برای رسیدن به جهان آخرت است.

چون رحلت آن پیامبر قطعی است همانند دیگران، لذا در این زمینه ذات اقدس إله به امت اسلامی هشدار داد؛ فرمود: مبادا بعد از رحلت آن حضرت به عقب برگردید؛ گرفتار جاهلیت جدید یا جاهلیت کهن و کفر و ارتداد بشوید. بنابراین وظیفه ما همان است که خودش به ما دستور داد: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِتْرَتِي»^۲ من در بین شما دو چیز گرانبها وامی‌گذارم؛ کتاب خدا و خاندانم. ارتجاع، ارتداد، برگشت به جاهلیت جدید یا جاهلیت کهن؛ همه اینها بر خلاف ره آورد آن حضرت است.

مصیبت پیامبر به قدری سنگین است که بعثت او به همان اندازه سنگین بود. اگر بعثت او تجلی اعظم هُوَ الظَّاهِرِ بود، رحلت او هم تجلی

مطهر است و مرتب ملائکه او را کمک می‌کنند و بر پیغمبر درود می‌فرستند؛ امیرالمؤمنین ﷺ به پیغمبر عرض کرد: «بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي أَذْكَرْنَا عِنْدَ رَبِّكَ، وَاجْعَلْنَا فِي بَالِكَ»^۱ پدر و مادرم فدای تو! [اکنون که به لقای خدا بار یافتی،] ما را در محضر پروردگارت به یاد بیاور؛ و ما را در خاطر خود نگه‌دار.

وظیفه مسلمانان پس از ارتحال رسول اکرم ﷺ

وظیفه‌ای که امت اسلامی بعد از رحلت پیغمبر ﷺ داشته و دارند، همان است که در این بخش از آیات قرآن کریم به آن اشاره شده که: «أَفَايِنُ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَيَّ أَعْقَابِكُمْ»^۲ «آیا اگر پیامبر بمیرد و یا کشته شود شما به گذشته‌تان باز می‌گردید؟» بالاخره پیامبر از آن جهت که انسان است، هیچ انسانی در جهان ناسوت، ماندنی نیست. و اگر زندگی

۱. همان، خطبه ۲۲۵.

۲. آل عمران / ۱۴۴.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵.

دادی.» یعنی هر چه را که آدم داشت، نوح داشت، ابراهیم داشت، موسی داشت، عیسی داشت، انبیاء دیگر علیهم السلام داشتند، تو به حسین بن علی به عنوان ارث اعطا کردی و او هم چون وارث بود، راه انبیاء را طی کرد.

به خدا عرض می‌کنیم: خدایا!

حسین بن علی را وارث انبیاء کردی.

هر چه را به انبیاء دادی، به او هم دادی. «فَاعْذَرِ الدُّعَاءَ وَ مَنْعَ النُّصْحِ؛ پس راه عذر آوردن را بست و نصیحت را تمام کرد.» او راه عذر دیگران را بسته است. هیچ کسی نمی‌تواند عذر بیاورد که من نمی‌دانستم؛ چون حضرت نامه نوشت، پیام فرستاد، سخنرانی کرد؛ در مدینه و مکه سخنرانی کرد، فاصله سیصد فرسخی مدینه تا کربلا سخنرانی کرد. هیچ کسی نیست که بگوید من نمی‌دانستم. «فَاعْذَرِ الدُّعَاءَ»، یعنی در دعوت کردن، در راهنمایی کردن، راه عذر دیگران را بسته است. «وَ مَنْعَ النُّصْحِ»؛ نصیحت کرد، پند داد،

اعظم هُوَ الْبَاطِنِ است. این انسان کامل است که از نشئه ظهور به نشئه غیبت هجرت کرده است و در حقیقت ما غائب از اوئیم، نه او. او همه اعمال و شئون ما را می‌نگرد، اعمال ما بر آن حضرت عرضه می‌شود.

حسین بن علی علیه السلام وارث همه

انبیاء

سرّ تکریم سالار شهیدان را در زیارت اربعین آن حضرت، از زبان امام صادق علیه السلام می‌توان فهمید که وجود مبارک امام ششم رئیس مذهب ما فرمود: روز اربعین که شد حسین بن علی بن ابیطالب را زیارت بکنید. هنگامی که آفتاب برآمد، این زیارتنامه را می‌خوانید، بعد دو رکعت نماز زیارت می‌خوانید و حاجتهای خود را از ذات اقدس اله مسألت می‌کنید.

در آن زیارت عرض می‌کنید:

خدایا! حسین بن علی بن ابیطالب وارث همه انبیاء است. «أُورِثْتَهُ مَوَارِثَ الْأَنْبِيَاءِ؛ میراثهای تمام انبیا را به او

خون می‌خواهد، خون داد. وَبَدَلَ
 مُهَجَّتَهُ فَيْكَ لَيْسْتَقْدَّ عِيَادِكُمْ؛ «استنقاذ»
 را معمولاً برای نجات غریق
 می‌گویند. می‌گویند: غریق را، کسی
 که دارد می‌سوزد، در آتش غرق است
 یا در آب غرق است، این را نجات
 بدهید. فرمود: حسین بن علی خون
 جگرش را داد تا مردم را عالم کند،
 تزکیه کند.

همین دو کاری که انبیاء می‌کردند؛
 ﴿يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾
 «پیامبر مردم را تزکیه و پاکسازی
 درونی می‌کند و کتاب و حکمت را
 تعلیمشان می‌نماید.» همین دو کار در
 زیارت اربعین آمده. انبیاء آمدند مردم
 را آگاه کنند و تربیت. بعضیها جاهلند،
 عالم نیستند. بعضی عالمند؛ ولی عادل
 نیستند. انبیاء آمدند ما را عالم عادل
 کنند. ﴿يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾؛ یعنی
 ما را به مسائل دینی مان آشنا کنند، ﴿وَيُزَكِّيهِمْ﴾؛
 یعنی ما را وارسته کنند.

موعظه کرد. آنجا که برهان لازم بود
 دلیل اقامه کرد، آنجا که پند لازم بود
 موعظت داد و مانند آن.

وقتی دید پند و موعظه اثر
 نمی‌کند، خون می‌خواهد، خون داد.
 این را وجود مبارک امام ششم فرمود:
 در اربعین ابی عبدالله به خدا عرض
 کنید: خدایا! حسین بن علی «بَدَلَ
 مُهَجَّتَهُ فَيْكَ لَيْسْتَقْدَّ عِيَادِكُمْ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ
 حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ؛ جانش را در راه تو داد
 تا بندگانت را از نادانی و سرگردانی
 در گمراهی نجات دهد.»؛ یعنی خون
 جگرش را داد، خون گلوی خود را
 داد، خون سر خود را داد، خون آن
 بچه شیرخوار را داد تا مردم را متدین
 و عالم کند.

لذا وجود مبارک امام ششم فرمود:
 روز اربعین که شد، بدانید چرا ما در
 پیشگاه حسین بن علی خاضعیم. به
 خدا عرض کنید: خدایا! حسین بن
 علی نصیحت کرد، سخنرانی کرد،
 موعظه کرد، نامه نوشت، دستور داد،
 اثر نکرد. دید هیچ چاره ندارد، فقط

از اول به نعش بی سر و پیکر آغشته به خون داد تا مردم را از جهالت برهاند و عالم بکند. تا مردم را عادل بکند. هم راه خود را ببینند و طی کنند، هم راه کسی را نبینند. حالا روشن شد که چرا امام عسکری علیه السلام فرمود: زیارت اربعین یکی از علائم پنج گانه تشیع مؤمنین است.

آیا تو زینب منی؟
خود سید الشهداء فرمود: من قتیل اشکهایم!! آنچه دل را متوجه کربلا می کند، نام مبارک ابی عبدالله و آشنا شدن به آن مصیبت و ریزش اشک است. حالا که اربعین شد، زینب کبری به کربلا رسیده است، زینب کبری همان حرفی را دارد که در روز یازدهم هنگام خداحافظی. وقتی این دختر دید زینب کبری در کنار این نعش، خیلی بی تابی می کند، گاهی سر به آسمان می کند، گاهی با پیغمبر حرف می زند، گاهی با امیرالمؤمنین حرف می زند. عرض کرد: عمّه، این نعش کی است؟ خود زینب کبری هم

از اول به نعش بی سر و پیکر آغشته به خون ابی عبدالله عرض کرد که: «أنتَ أخی وَابنُ أُمّی؟» آیا تو برادر منی؟، آیا پسر مادر منی؟ «الآن که به زیارت کربلا بر می گردد، شاید اینچنین بگوید: عرض کند: یا ابا عبدالله! کاری با تو کردند که من تو را نشناختم؛ اما آنقدر مصیبت بر من وارد شد که اگر تو هم مرا ببینی، مرا نمی شناسی! من می گفتم: آیا تو حسین منی؟ تو اگر مرا می بینی، می گویی: آیا تو زینب منی؟ ... الا لَعْنَةُ اللهِ عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.

